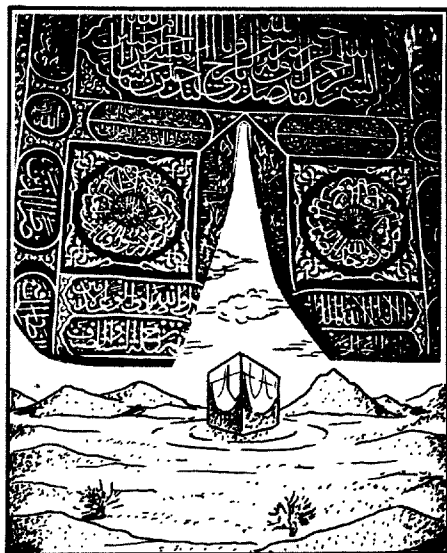


جامه‌های شریف

حجره و منبر نبوی، مقام ابراهیم و...



دکتر محمد الدقن/هادی انصاری



الف - جامهٔ حجره و منبر نبوی:

جامهٔ حجرهٔ نبوی شریف همانند جامهٔ درونی کعبه، همه‌ساله تجدید نمی‌شد، بلکه هرگاه دچار فرسودگی و خرابی می‌گردید، آن را با جامهٔ نوین دیگری جایگزین می‌کردند، این جامه، برخلاف جامهٔ بیرونی کعبه، تحت تأثیر عوامل آب و هوایی نبوده و فرسوده نمی‌شد. و از عوامل یادشده مصون بود.

قلقشندی می‌گوید: حسین بن ابی‌الهیجاء داماد مرد نیکوکار «طلایع بن زریک» وزیر خلیفه العاضد فاطمی (۵۵۵ - ۵۶۷ ه.ق.) که آخرین شخص از خلفای فاطمیان در مصر بود، برای نخستین بار حجرهٔ نبوی شریف را جامه پوشانید.

«حسین بن ابی‌الهیجاء» جامه‌ای به‌رنگ سفید، که روی آن با نقش و نگارها و کمربندهایی از ابریشم زرد و سرخ آذین گردیده بود، تهیه کرد. این جامه با سورهٔ یاسین به‌طور کامل تزیین شده بود. در آن هنگام «المستضیء بأمرالله» خلافت را در دست داشت.

هنگامی که جامهٔ یاد شده به مدینه منوره رسید، «قاسم بن مهنا» امیر مدینه در آن هنگام از قرار دادن آن در حجرهٔ نبوی امتناع کرد و اجازهٔ خلیفه عباسی «المستضیء بأمرالله» را در این باره ضروری دانست. اینجا بود که «حسین بن ابی‌الهیجاء» فرستاده‌ای را به بغداد گسیل نمود تا در این باره از خلیفه اذن بگیرد.

سفرنامه‌اش، به هنگام زیارت مدینه منوره، در محرم سال ۵۸۰ هـ. آن جامه‌ها را بر حجره نبوی شریف دیده و به هنگام توصیف حجره نبوی و روضه مبارکه این چنین می‌گوید:

«از بالای ضریح تا حد دیوار مرمرین جامه‌هایی لاجوردی رنگ آویخته‌اند که بر آنها ستاره‌های هشت‌پر و چهارپر سپید نگین دوزی شده وجود دارد و درون نگین‌ها دایره‌هایی است که پیرامون آنها را نقطه‌هایی سپید در بر گرفته و منظره‌ای بسیار زیبا و دلنشین را به وجود آورده است. در بخش زیرین این جامه‌ها نیز کمربندی مایل به سفید قرار دارد...»^۳

خلیفه «الناصر لدین‌الله» عباسی تنها به ارسال جامه حجره نبوی شریف اکتفا نکرده، بلکه صدقاتی را برای فقرا و نیازمندان مدینه منوره در هر سال بدین شهر می‌فرستاد و نیز مقدار فراوانی از پارچه‌های پنبه‌ای را برای کفن نمودن درگذشتگان از فقرا ارسال می‌کرد که در میان آنان تقسیم می‌شد. این مطلب، افزون بر قندیل‌ها و شمع‌ها و انواع گوناگون از بخور و عطرها، که همه‌ساله جهت مسجد نبوی شریف به این سو گسیل می‌داشت.

سرانجام خلیفه اجازه داد و جامه مزبور حدود دو سال در حجره نبوی شریف آویزان گردید.

از آن پس، خلیفه عباسی، «المستضی» جامه‌ای از ابریشم بنفش را که گلدوزی و نقش و نگار و کمربندهای سفید نوشته شده داشت و بر کمر بند آن نامه‌ای: «ابوبکر»، «عمر»، «عثمان» و «علی» نوشته شده بود، ارسال داشت همچنین بر قسمتی از کمر بند جامه یادشده، نام خلیفه «المستضیء بأمراالله» دیده می‌شد. بنابراین، جامه «حسین بن ابی‌الهیجاء» را از حجره برداشتند و به سوی محل دفن (حضرت) امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام در کوفه^۱ فرستادند و جامه خلیفه، جایگزین آن، در حجره نبوی شریف گردید.

به هنگام خلافت «الناصر لدین‌الله» عباسی (۵۷۳ - ۶۲۲ هـ. ق.) جامه دیگری برای حجره نبوی شریف از ابریشم سیاه بافته شد و آن را بر روی جامه پیشین؛ یعنی جامه «المستضیء بأمراالله» قرار دادند. تا این‌که پس از آن وقتی مادر خلیفه «الناصر لدین‌الله» حج گزارد، جامه دیگری همانند جامه فرزندش را بر روی دو جامه پیشین در حجره نبوی آویخت.^۲ «ابن جبیر» در



فرزند «سلطان ناصر محمد بن قلاوون» (۷۴۳ - ۷۴۶ ه. ق.) فرارسید که نامبرده برخی دهکده‌های مصری را وقف کرد تا درآمد آنها صرف تهیهٔ جامهٔ بیرونی کعبهٔ مشرفه گردد. از آن پس این جامه در سال یکبار و جامهٔ حجرهٔ نبوی و منبر نبوی هر پنج سال یکبار بافته می‌شد و ارسال می‌گردید.^۸

سلاطین مصری بعد از آن، سالی یکبار جامهٔ بیرونی کعبه را ارسال می‌داشتند. آنان افزون بر این، به هنگام رسیدن بر سلطنت جامهٔ دیگری به‌رنگ سرخ، ویژهٔ درون کعبه و جامه‌ای نیز به‌رنگ سبز برای حجرهٔ نبوی شریف ارسال می‌کردند. بر هریک از سه جامهٔ یادشده جملهٔ «لا اله الا الله، محمد رسول الله» در درون حرف دال‌هایی که در کنار یکدیگر قرار داده شده بود، نوشته می‌شد. همچنین در حاشیه و کناره‌های آن دال، آیات مناسب دیگر و نام یاران و اصحاب رسول خدا ﷺ نقش بسته بود.^۹

در دوران عثمانی، سلاطین آل عثمان به همان شیوهٔ دوران ممالیک عمل کردند به طوری که «سلطان سلیم اول»، به‌هنگام اقامتش در مصر، پس از دستیابی به حکومت، عنایت ویژه‌ای را نسبت به

قلقشندی می‌گوید: «... ناصر لدین‌الله عباسی همه‌ساله مقدار چهارهزار دینار صدقه و هزار و پانصد ذراع پارچهٔ کتانی برای تکفین فقرای درگذشته، به مدینه ارسال می‌نمود، این جدا از هزینه‌های ساختمان مسجد بود که از آن جمله می‌توان قندیل‌ها و روغن چراغ و شمع و نَدَّ^۴ و غالیه^۵ مرکب و عود برای تبخیر در مسجد را نام برد...»^۶

خلفای بنی‌العباس از این پس همواره جامه‌هایی را برای حجرهٔ نبوی شریف می‌فرستادند. همچنانکه آنان هر سال جامه‌ای از ابریشم سیاه را که به آن پرچی مزین به طلا بود برای منبر نبوی شریف نیز می‌فرستادند «هنگامی که جامه‌ها در نزد آنان فراوان گردید. از آنها برای پردهٔ درهای حرم استفاده کردند... این مطلب تا دوران انقراض خلافت در بغداد ادامه داشت که از آن پس سرزمین مصر همچنانکه عهده‌دار جامهٔ کعبه بود، مسؤولیت این امر را نیز به عهده گرفت...»^۷

سلاطین مصر به دوران ممالیک، جامهٔ حجرهٔ نبوی شریف و منبر نبوی را همچنان می‌فرستادند لیکن این‌کار به‌صورت منظم انجام نمی‌شد، تا این‌که دوران سلطنت «ملک صالح اسماعیل»

همچنان ادامه داشت تا این که عثمانیان از ارسال این دو جامه خودداری نمودند.

ب - جامه مقام ابراهیم خلیل علیه السلام

جامه مقام ابراهیم علیه السلام ۱۳ و آغاز پیدایش آن و قرار گرفتنش بر مقام، که ترجیحاً نخستین جامه‌ای که بر مقام قرار گرفت به دوران ممالیک برمی‌گردد؛ زیرا مقام تا قرن ششم هجری در جایگاه اصلی خود، در کنار چاه زمزم به صورت دائمی قرار نداشت.

این جابه‌جایی مقام از جایگاه اصلی خود، دوبار اتفاق افتاد:

نخست: در ایام فتنه قرامطه بود که در ذی‌الحجه سال ۳۱۷ ه. ق. به مکه واقع شد و - به‌هنگام مراجعتشان - حجراً لاسود را به همراه خود به کشورشان حمل کردند. و قصد داشتند که مقام ابراهیم علیه السلام را نیز به همراه خویش ببرند اما پرده‌داران کعبه و متولیان آن، مقام را در یکی از شعب‌های مکه پنهان کردند و پس از فروخوابیدن فتنه و مراجعت قرامطه به کشور خویش، مجدداً آن را به مسجد بازآوردند و در جایگاه اصلی و معروف خود قرار دادند.

جابه‌جایی دوم، در قرن ششم هجری رخ داد. در این دوران، مقام را از

تهیه جامه کعبه مشرفه و جامه حجره نبوی شریف و جامه مقام ابراهیم خلیل علیه السلام کرد و تزئین و آذین‌بندی آن را به درجه والایی رسانید.^{۱۰}

هنگامی که «سلطان سلیمان قانونی» به خلافت رسید، به آگاهی او رسانند که درآمد وقفی که از سوی ملک صالح اسماعیل برای تهیه جامه کعبه قرار داده شده، کافی نیست و او دستور داد که از محل خزانه سلطنتی در مصر، هفت دهکده دیگر مصری خریداری شود و به وقف پیشین افزوده گردد. بنابراین، از آن پس تعداد دهکده‌های وقف شده به ده^{۱۱} رسید که این مطلب در سال ۹۴۷ ه. ق. اتفاق افتاد.

نامبرده در آمد این وقف‌ها را برای تهیه و ساخت جامه بیرونی کعبه در هر سال قرار داد و اضافه عایدات را نیز برای ساختن جامه درونی کعبه و جامه حجره نبوی شریف و منبر نبوی و دیگر جامه‌ها در هر پانزده سال یک‌بار اختصاص داد.^{۱۲}

اضافه بر آن - همچنانکه پیش از این در مورد سلاطین مصری اشاره شد - هریک از سلاطین عثمانی به هنگام جلوس بر کرسی خلافت، جامه ویژه‌ای برای درون کعبه و نیز جامه‌ای برای حجره نبوی شریف ارسال می‌داشتند. این روش



بازگردانیده شد».

«... هنگامی که (مکثر بن عیسی) از طواف فارغ گردید، در کنار ملتزم نماز پیداشت. سپس به سوی مقام آمد و در پشت آن نماز گزارد.

در حالی که مقام را برای وی از کعبه خارج کرده و در زیر گنبد چوبین خود قرار داده بودند تا نامبرده در پس آن نماز پیا دارد. هنگامی که نماز او به پایان رسید، گنبد را از روی مقام برگرفتند و امیر با دستان خویش آن را استلام کرد و سپس به صورت خود کشید آنگاه گنبد بار دیگر بر روی آن قرار داده شد...»^{۱۴}

طبق این مطالب دانسته می‌شود که مقام ابراهیم تا اواخر قرن ششم هجری، در جایگاه خود ثابت نبوده است. آنان سنگ مقام را از بیم دزدی و یا رسیدن آسیب، به درون کعبه منتقل می‌کرده‌اند.

نگارنده در هیچ‌یک از نوشته‌های تاریخ‌نگاران دربارهٔ مقام ابراهیم علیه السلام اشاره‌ای به زمان دائمی قرار گرفتن آن در جایگاه اصلی خویش و این‌که در چه زمانی برای نخستین بار جامه بر آن آویخته‌اند، برخورد نکرده‌ام. نخستین اشاره‌ای که به جامه مقام ابراهیم خلیل علیه السلام شده، همان مطلبی است

جایگاه اصلی خویش در کنار چاه زمزم برداشتند و آن را در نخستین پلهٔ ورودی به بام بیت‌الله، در درون کعبه قرار دادند. هنگامی که آن را از درون کعبه خارج می‌ساختند، در جایگاه اصلی خویش قرار می‌گرفت.^{۱۳}

«ابن جبیر» جهانگرد مشهور، به سال ۵۷۹ ه. ق. - هنگام توصیف درون کعبه مشرفه - در این باره چنین شرح می‌دهد:

«مقام ابراهیم علیه السلام، برای محافظت در اتاقی واقع در رکن عراقی از درون کعبه قرار دارد و جایگاه اصلی آن، در خارج از کعبه، در جایگاهی است که بر آن گنبدی از چوب برپا گردیده و مردم در پس آن به نماز می‌ایستند. همچنین علاوه بر آن، دارای گنبدی از آهن بوده که چون موسم حج بیاید و مردم انبوه شوند، گنبد آهنین را جایگزین گنبد چوبین می‌سازند.»

ابن جبیر ادامه می‌دهد: «در ماه رجب سال ۵۷۹ ه. ق. هنگامی که امیر مکه «مکثر بن عیسی» عمرهٔ رجبیه گزارد، مقام را برای او از درون کعبه خارج ساختند و در جایگاه اصلی اش قرار دادند تا نامبرده در پس آن، نماز به جای آورد. سپس گنبد چوبین مقام از روی آن برداشته شد که امیر، سنگ مقام را استلام کند. در این هنگام گنبد برای بار دیگر بر روی آن

اهتمام ورزید تا بدانجا که در تزئین جامه‌های یادشده، به صورت غیر معمول، آنچنان نمود که در زیبایی و جمال بی‌نظیر گردید.^{۱۶}

ارسال جامه‌ی مقام در سرتاسر دوران عثمانی و در عصر جدید - که در آینده از آن سخن خواهیم گفت - همچنان ادامه یافت تا این‌که در سال ۱۳۵۹ ه. ق. مصر از ارسال آن خودداری کرد؛ زیرا نزد آنان آشکار گردید که این جامه بر مقام ابراهیم خلیل علیه السلام قرار داده نمی‌شود.

به نظر می‌رسد که جامه‌ی مقام، همه‌ساله، به همراه جامه‌ی بیرونی کعبه ارسال می‌شده است. گواه ما بر این سخن، بر دو پایه استوار است:

اول: وقف گسترده‌ای که از سوی «سلطان سلیمان قانونی» انجام گرفت، که ده دهکدهٔ مصری بوده و درآمد آن بر ساخته شدن جامه‌ی بیرونی کعبه در هر سال و جامه‌ی درونی آن و جامه‌ی حجرهٔ نبوی شریف و منبر نبوی و محراب تهجد و محراب ابن‌عباس و آرامگاه او و آرامگاه عقیل بن ابی‌طالب و نیز بر آرامگاه (حضرت امام) حسن بن علی علیه السلام و عثمان بن عفان و فاطمه بنت اسد، در هر پانزده سال یک‌بار هزینه می‌گردید. در آن اشاره‌ای به جامه‌

که قلقشندی (متوفای سال ۸۲۱ ه. ق.) - پس از توصیف جامه‌ی کعبهٔ مشرفه در عصر خویش و برداشته شدن جامهٔ قدیمی آن و قرار داده شدن جامهٔ نوین بر آن - یاد کرده است. او در این باره می‌گوید: «... و مقام با جامه‌ای همانند جامهٔ کعبه پوشانیده می‌شود...»^{۱۵}

با این اشاره دانسته می‌شود که در دوران قلقشندی، مقام دارای جامه و پوشش بوده است. لیکن این گفته، آغاز جامه کردن مقام ابراهیم خلیل علیه السلام را برای ما روشن نمی‌سازد. بنابراین، از آنچه که گذشت، می‌توان نتیجه گرفت و با اطمینان گفت که جامهٔ مقام در دوران ممالیک پدید آمده است.

اما عثمانیان، باید گفت که آنان اهمیت ویژه‌ای به جامهٔ بیرونی کعبهٔ مشرفه و نیز جامهٔ درونی آن و پرده‌ها و تمامی جامه‌های دیگر، مانند جامهٔ حجرهٔ نبوی شریف و منبر نبوی همچنین به جامهٔ مقام ابراهیم خلیل علیه السلام، از خود نشان می‌دادند. به طوری که (سلطان) سلیم اول - همچنان که بدان اشاره کردیم - به هنگام اقامت خویش در مصر، به ساخته شدن جامهٔ کعبه و جامهٔ حجرهٔ نبوی شریف و جامهٔ مقام ابراهیم خلیل علیه السلام



ج - جامهٔ حجر اسماعیل علیه السلام:

در هیچ‌یک از نوشته‌های تاریخ‌نگاران به مطلبی بر نمی‌خوریم که از جامهٔ حجر اسماعیل پیش از سال ۸۵۲ هجری بحث کرده باشد، ولی در این سال سلطان «ظاهر چقمق» از پادشاهان ممالیک، جامه‌ای از ابریشم سیاه را به همراه جامهٔ کعبهٔ مشرفه ویژه حجر اسماعیل علیه السلام ارسال نمود و چون پیش از این هیچگاه بر حجر اسماعیل علیه السلام جامه‌ای را قرار نداده بودند و این برای نخستین بار بود، بنابراین جامهٔ یادشده یک‌سال در درون کعبه قرار داده شد. سپس آن را خارج ساخته و در موسم حج سال ۸۵۳ هجری بر روی قسمت بیرونی حجر اسماعیل قرار دادند. در همان زمان جامهٔ دیگری ویژه قسمت درونی حجر اسماعیل رسید که آن را نیز از داخل حجر آویختند. این جامه برای اولین و آخرین بار بر روی آن قرار داده شد و پس از آن - تاریخ‌نگاران - از ارسال جامه‌های دیگری بدین منظور یاد نکرده‌اند.^{۱۷}

د - پردهٔ دروازهٔ منبر مکی:

گفتنی است علی‌رغم این‌که نصب آغازین پردهٔ دروازهٔ منبر مکی، از دوران عباسی - همچنان‌که پیش از این بدان اشاره

مقام ابراهیم خلیل علیه السلام نشده، در صورتی که از تمامی جامه‌های یادشده برای محراب‌ها و قبور بزرگان از صحابه - رضوان الله تعالی علیهم اجمعین - یادشده است. این مطلب عاقلانه به نظر نمی‌رسد که جامهٔ مقام که از پیش و از دوران ممالیک تا آغاز دوران عثمانیان همواره در نظر گرفته می‌شد از یاد برود و از جامه‌های دیگر برای محراب‌ها و قبور در آن یاد شود!

بنابراین نتیجه می‌گیریم که جامهٔ مقام ابراهیم در هر سال، به همراه جامهٔ بیرونی کعبه مشرفه، بدان جهت که این جامه نیز در معرض عوامل طبیعی همانند جامهٔ کعبه بوده، ارسال می‌گردیده است.

دوم: با مراجعه به شهادت‌نامه‌های شرعی تسلیم جامهٔ کعبه مشرفه در دوران کنونی، مشاهده کردیم که جامهٔ مقام ابراهیم خلیل علیه السلام همه‌ساله به همراه جامه بیرونی کعبه ارسال می‌گردیده است. این شهادت‌نامه نشانگر آن است که این مطلب به صورت عادتی از دوران عثمانی تاکنون ادامه داشته است، باتوجه به این‌که مصر به صورت رسمی تا آغاز جنگ جهانی اول در سال ۱۳۳۲ ه.ق. زیر نفوذ دولت عثمانی باقی بود.

کردیم - بوده و به اثبات رسیده است، لیکن این جانب به هیچ‌گونه مطلبی، حتی به اشاره دست نیافتم که به تهیه پرده و بیژة دروازه منبر مکی در دوران کنونی (اوایل قرن چهاردهم هجری) پرداخته باشد. اما در شهادت‌نامه‌های شرعی تسلیم جامه کعبه، به وجود پرده دروازه منبر مکی،^{۱۸} دست می‌یابیم.

حال آیا از صورت شهادت‌نامه‌های شرعی یادشده برمی‌آید که پرده دروازه منبر مکی در دوران جدید پدید آمده است یا این‌که پرده یادشده هر سال به همراه جامه بیرونی کعبه و به همراه جامه مقام ابراهیم خلیل علیه السلام از دوران عباسی و یا از دوران ممالیک یا دوران عثمانی به اعتبار این‌که این پرده خود جزئی پیوسته از جامه کعبه به‌شمار آمده و در معرض تأثیر عوامل جوئی قرار داشته، ارسال می‌گردیده است؟

گمان دارم که پرده یادشده همواره به همراه جامه کعبه هر سال از مصر حداقل در دوران عثمانی ارسال می‌گردیده است.

گواه بر این مطلب اوقاف سنگینی است که از سوی «سلطان سلیمان قانونی» بر جامه کعبه تعیین گردیده بود و آن افزون بر نیاز جامه در یک سال بوده و این مطلبی است که سلطان یادشده در ضمن وقف‌نامه

یادشده، ذکر کرده است که مازاد بر آن را صرف تهیه جامه‌های دیگری برای حجره نبوی شریف و منبر نبوی و محراب‌های گوناگون و پرده‌هایی برای قبور برخی از بزرگان صحابه - رضوان‌الله علیهم - قرار داده شود. بنابراین منطقی به نظر نمی‌رسد در جایی که پرده‌های فراوان دیگری که شاید آنچنان ضرورتی هم نداشته است بر روی ضریح برخی از بزرگان صحابه یادشده در وقف‌نامه سابق ذکر گردد و پرده دروازه منبر مکی را از آن استثنا نمایند. تهیه و آماده کردن آن و نیز ارسال سالانه آن از مصر به همراه جامه در دوران جدید، خود می‌تواند گواهی بر نظر این جانب باشد. که این مطلب استمرار آن عادت از پیش به‌شمار آمده نه آنکه در عصر جدید پدید آمده باشد.

ارسال این پرده از مصر، همچنانکه در صورت شهادت‌نامه شرعی سال ۱۲۸۰ هجری آمده است، متوقف گردید. ما از زمان دقیق توقف ارسال آن، آگاه نیستیم لیکن به نظر می‌رسد موانعی در کار بوده است که در پایان، موجب توقف ارسال جامه مقام در سال ۱۳۵۹ هجری گردید. همچنانکه در این باره به هنگام سخن از جامه مقام از آن یاد کردیم.



ه- کیسه جایگاه کلید کعبه

درباره این کیسه، اطلاعات دقیقی از پیش در دست نداریم؛ زیرا به درستی نمی‌دانیم از چه هنگام ساخته شده است؟ و آیا هر سال ارسال می‌گردیده یا خیر؟ با بررسی و دیدن نوشته‌های تاریخ‌نگاران در این باره، به هیچ‌گونه اشاره‌ای برخورد نکردیم. تنها، روایتی را که در آن از چگونگی سرقت کلید در کعبه معظمه، در روزهای پایانی ماه رمضان سال ۹۷۶ هجری سخن به میان آمده به دست آوردیم. بر اساس روایت یادشده، «شیخ عبدالواحد شبیبی» طبق عادت همه‌ساله، در کعبه مشرفه را برای ورود بانوان گشود. در این هنگام کلید کعبه که با پوششی از طلا آذین گردیده بود، از اتاق نامبرده به سرقت رفت. غوغایی در درون حرم شریف به پا گردید. درهای مسجدالحرام را بسته و مردم را بازرسی نمودند. لیکن این کار سودی نبخشید تا این که «سنان پاشا» در یمن آگاه گردید که کلید نزد شخصی عجمی است. پس از دستگیری و اقرار وی، خانه او را محاصره کردند و کلید کعبه به همراه اموال دزدی دیگری در آن جا یافت شد.

وی پس از گردن زدن دزد، کلید را برای «شیخ عبدالواحد شبیبی» بازفرستاد.^{۱۹}

آیا این حادثه می‌تواند آغازی برای اهمیت دادن به کلید کعبه به‌شمار آید و از آن هنگام، کیسه کلید کعبه ساخته شده باشد؟ شاید چنین باشد.

با این که در نوشته‌های تاریخ‌نگاران پس از این تاریخ (۹۷۶ هـ) به مطلبی مبنی بر ساخت کیسه کلید کعبه دست نیافتیم. لیکن اشاره نکردن آنان، موجب نفی مطلق ساختن این کیسه و ارسال آن در هر سال به همراه جامه کعبه معظمه نیست؛ زیرا آن کیسه از ضمیمه‌های جامه به‌شمار آمده و تاریخ‌نگاران ضرورتی بر ذکر آن به هنگام ارسال جامه نمی‌دیدند. همچنان که در عصر جدید، شهادت‌نامه‌های شرعی تسلیم جامه کعبه معظمه، به وجود آن کیسه، به‌عنوان ضمیمه جامه شریفه در هر سال اشاره دارد.^{۲۰}

در صورتی که سخن «ابراهیم رفعت پاشا» را، که به‌عنوان فرمانده نیروهای نظامی محمل حج مصری و سپس چندین سال به‌عنوان امیرالحاج مصر بوده و همه‌ساله جامه کعبه را همراهی می‌کرده، بدان بیفزاییم - نامبرده در کتاب خود درباره ساخته شدن این کیسه از زمانی بس دراز در پیش سخن گفته و اضافه می‌کند:

«... از قدیم رسم بر این بوده که به

بین مصر و دولت سعودی پیش آمد - که در آینده به هنگام سخن از جامه در دوران جدید از آن سخن به میان خواهیم آورد - همچنانکه در میان قطعه‌های یادشده، کیسه کلید کعبه معظمه را نیز ملاحظه نمودم.

در پایان سخن خود از جامه‌های یادشده که از مصر به کعبه مشرفه ارسال می‌گردید و نیز پس از توضیح دربارهٔ پیدایش آنان، ضروری دانستیم که از ابعاد و ویژگی‌های آنها و نیز چگونگی تزئین جامه‌های یادشده به‌هنگام سخن از جامهٔ کعبه در عصر جدید برای شما به تفصیل سخن بگوییم، ان شاءالله.

همراه جامهٔ کعبه، کیسه‌ای جهت کلید در کعبه ساخته می‌شد و این کیسه به همراه کلید در کعبه نزد بزرگ‌خاندان بنی‌شبه قرار می‌گرفت....»^{۲۱}

بنابراین با گفته‌های پیش‌اشکار می‌گردد که کیسهٔ کلید کعبه از دوران عثمانی ساخته شده و به همراه جامهٔ شریفه، همه‌ساله ارسال می‌گردیده است.

این‌جانب در ضمن بازدید که از کارگاه جامهٔ شریف در «خرنفش» واقع در قاهره به‌عمل آوردم. قطعه‌های جامه‌ای را که دولت سعودی در سال ۱۳۸۱ هجری از دریافت آن خودداری نمود، مشاهده کردم. این مطلب در نتیجهٔ بروز اختلافات سیاسی

• پی‌نوشتها:

- ۱- ظاهرأ باید منظور نجف اشرف و حرم مطهر حضرت امیر علیه السلام باشد، «مترجم».
 - ۲- قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۴، ص ۲۸۸ و ۳۰۳
 - ۳- ابن جبیر، الرحله، ص ۱۵۱
 - ۴- نَدَّ: چوب عود. «مترجم».
 - ۵- غالیه: نوعی عطر خوشبو.
 - ۶- قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۴، ص ۳۰۴
 - ۷- قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۴، ص ۳۰۳ و ۳۰۴؛ ابن الوردی، تئمة المختصر...، ج ۲، ص ۳۱۴ و ۳۲۲
 - ۸- فاسی، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۲۳
 - ۹- قطب‌الدین حنفی، الاعلام، ص ۷۰
 - ۱۰- ابن ابیاس: بدائع الزهور...، ج ۵، ص ۲۰۵
 - ۱۱- قطب‌الدین حنفی، الاعلام، ص ۷۰ و ۷۱
 - ۱۲- مقام ابراهیم، همان سنگی است که ابراهیم خلیل علیه السلام به هنگام بنای کعبه بر آن ایستاد. این گفته از «ابن عباس» و نیز از «سعید بن جبیر» و جز اینها روایت شده. و نیز گفته‌اند که: حضرت خلیل علیه السلام به هنگام ندای حج برای مردم، بر بالای آن ایستاد.
- در این جا رأی سومی نیز وجود دارد که مضمون آن چنین است: حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام هنگامی که همسر فرزندش اسماعیل سر او را می‌شست، بر روی آن ایستاد. این در زمانی بود که حضرت ابراهیم برای دیدن فرزندش به این دیار آمد. سعید بن جبیر سخن آخر را استوار و محکم ندانسته است. در هر صورت می‌توان گفت که حضرت ابراهیم برای انجام کارهای یادشده بر آن ایستاده است.
- خلفای عباسی به جهت تأثیرپذیری مقام نسبت به عوامل طبیعی و سستی سنگ و بیم از شکافته شدن آن، اهمیت ویژه‌ای بدان دادند و پیرامون مقام را به وسیله طوق‌هایی از طلا و نقره آذین کردند و آن را محکم و استوار ساختند.
- هنگامی که خلیفه مهدی از خطراتی که متوجه مقام بود، آگاه شد، در سال ۱۶۱ هجری هزار دینار یا بیشتر را به مکه ارسال کرد که با آن مقام را از بالا تا پایین به صورتی پایدار و استوار درآوردند. متوکل علی‌الله، به هنگام حکومتش به وسیله طلا، پوشش دیگری را بر تزئین بیشین مهدی افزود. این آذین‌بندی به سال ۲۳۶ هجری واقع شد.
- در سال ۲۵۶ هجری پرده‌داران به علی بن حسن عباسی، عهده‌دار امور مکه، گزارش دادند که مقام از هم



گسیخته است و بیم از تباهی آن دارند. نامبرده گان از علی بن حسن عباسی درخواست کردند که مقام را ضمن استوار و ثابت کردن، آذین نماید و او دو طوق از طلا به مقدار ۹۹۲ مثقال و طوقی دیگر از نقره ساخت و سپس مقام را آورده، به وسیله جیوه سنگ مقام را در میان طوق‌های یادشده آنچنان قرار دادند که غیر قابل گسستن بود. این کار به دست «بشر» مولای خلیفه معتمد علی‌الله عباسی انجام پذیرفت. آنگاه سنگ مقام را با تزئین‌های صورت‌گرفته، به جایگاه اولی بازگرداندند و در آن ثابت و استوار کردند. (فاسی، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۰۲ و ۲۰۳).

۱۳- محمد طاهر کردی، تاریخ القویم لمکة و بیت الله الکریم، ج ۴، ص ۴۴

۱۴- ابن جبیر، الرحله، ص ۵۵، ۵۶، ۹۷؛ فاسی، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۰۴

۱۵- صحاح الاعشی، ج ۴، ص ۲۸۳

۱۶- ابن ایاس، بدایع الزهور، ج ۵، ص ۲۰۵

۱۷- یوسف احمد، المحمل و الحج، ج ۱، ص ۲۴۹؛ حسین بن عبدالله باسلامه، تاریخ الکعبة المعظمة، ص ۱۷۶ و ۱۷۷

۱۸- نک: دو شهادت‌نامه شرعی سال‌های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ هـ. ق.

۱۹- ابراهیم رفعت، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۹۹ و ۳۰۰؛ حسین عبدالله، باسلامه، تاریخ الکعبة المعظمة ص ۳۷۹ و ۳۸۰

۲۰- نک: به شهادت‌نامه‌های شرعی تسلیم جامه کعبه معظمه در سال‌های ۱۳۲۱، ۱۳۲۲ و ۱۳۸۰ هـ. ق.

۲۱- ابراهیم رفعت، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۳۰۰